

محیط کسب و کار در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب

ابوالفضل عباسچیان^۱، غفور حمیدی^۲، حمید رسولی^۳، وحیدجعفرپور^۴، سمیرا مقاله^۵

چکیده

برنامه‌های توسعه مهم‌ترین سند اجرایی هر اقتصادی برای نیل به اهداف از پیش تعیین شده یک کشور می‌باشد که در هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری از مبانی نظری اقتصاد توسعه متأثر هستند. برنامه‌ریزی توسعه، فرایندی است چند بعدی که بایستی بر مبنایی مشخص و مورد تفاهم از توسعه که جنبه علمی داشته و بین وجوه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازگاری لازم را ارائه می‌دهد، استوار باشد. در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه‌های توسعه، بهبود محیط کسب و کار به عنوان راهبرد اساسی تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی و ارتقای استاندارد زندگی مردم قلمداد شده است. در برنامه‌های توسعه به صورت کلی، بر بهبود فضای کسب و کار به مثابه راهبردی مؤثر برای توانمندسازی مردم در برابر فقر، بیکاری و تورم و نیز برای شکوفایی بیشتر اقتصاد کشور تأکید شده است. در این پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه‌ای - اسنادی به معرفی و تبیین مفهوم محیط کسب و کار پرداخته می‌شود و سپس با اشاره به هدف‌های اقتصادی کلیه برنامه‌های توسعه در ایران، چشم‌انداز فضای کسب و کار در برنامه چهارم و پنجم توسعه و جهت‌گیری آن در این زمینه ارزیابی و تحلیل می‌شود. آنگاه با مرور برنامه‌های اجرا شده برای اصلاح فضای کسب و کار در ایران، پیشنهادهایی برای بهبود محیط کسب و کار از طریق قانونگذاری ارائه می‌شود.

واژه های کلیدی: محیط کسب و کار، بهبود محیط کسب و کار، توسعه، برنامه‌های توسعه اقتصادی

۱. کارشناسی ارشد، نماینده وزیر و مدیر کل امور اقتصادی و دارایی استان زنجان، Abbaschian.A@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، معاون اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان زنجان، Hamidi_ghafour@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد، رئیس گروه مطالعه و تحلیل سیاست های پولی و مالی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان زنجان، Hamid.rasoli@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد، کارشناس مسئول گروه سیاست های پولی و مالی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان زنجان، vahid_jafarpour@yahoo.com

۵. کارشناسی ارشد، کارشناس گروه مطالعه و تحلیل سیاست های پولی و مالی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان زنجان،

Samira.maghale@gmail.com

۱. مقدمه

اقتصاد ایران، اقتصادی است تک‌محصولی و وابسته به نفت که با اتکا به ساختار و سیستم اقتصاد دولتی طی سال‌های اخیر به فعالیت خود ادامه داده است. طی سال‌ها، تلاش‌های بسیاری در قالب برنامه‌های توسعه جهت کاستن از اقتصاد دولتی و خصوصی‌سازی اقتصاد ملی صورت گرفته و سیاست‌های خصوصی‌سازی از برنامه اول تا قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اجرا گردیده که از توفیق چندانی برخوردار نبوده‌اند و راه را گم کرده و نه تنها اقتصاد کشور را به سمت یک اقتصاد خصوصی محور سوق نداده‌اند، بلکه به سهم و وزن دولت در اقتصاد افزوده‌اند. از سوی دیگر با توجه به نفتی بودن اقتصاد ایران، بخش مهمی از اقتصاد کشور ناخودآگاه متأثر از تحولات جهانی است و تا حدودی بی‌ثباتی موجود در بازار جهانی نفت در اقتصاد ملی تسری یافته و این عدم ثبات به جزء ذاتی اقتصاد کشور تبدیل شده است که آثار منفی این تحولات می‌بایست با اتخاذ تدابیر هوشمندانه به حداقل ممکن رسیده و با تعامل فعال و پویا با مجموعه اقتصاد جهانی، به اقتصادی قدرتمند در سطح منطقه و جهان تبدیل شود. بنابراین، پرواضح است برای چنین اقتصاد کاملاً دولتی و وابسته به درآمدهای انحصاری و بی‌ثبات نفتی در عرصه بین‌المللی که سال‌ها دکترین خصوصی‌سازی را اجرا نموده و به نتایج مطلوب دست نیافته‌است، گذر از اقتصاد دولتی و نفتی به اقتصاد بخش خصوصی و مالیات محور نیازمند بسترسازی و اصلاح محیط و بهبود فضای کسب و کار اقتصاد و سرمایه‌گذاری، به عنوان پیش‌نیاز اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی اقتصاد، می‌باشد تا در نهایت با بهبود فضای بخش خصوصی پا به عرصه و میدان اقتصاد گذاشته و اقتصاد دولتی ایران را از ورطه نابودی برهاند (امینی، ۱۳۹۳).

از آنجایی که توسعه بخش خصوصی در اقتصاد جامعه بر مجموعه پیچیده‌ای از قوانین، زیرساخت‌های گسترده فیزیکی و نهادی، محیط باثبات اقتصاد، توسعه بازارهای مالی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی توسط صنایع کوچک و متوسط، مقررات بازار کار، سیستم‌های ارتقاء فناوری، آموزش و یادگیری مبتنی است تا در مسیر تغییر دائمی ابعاد توسعه، توانایی حرکت همگام با این تغییرات را داشته باشد و فراهم شدن این مجموعه به منظور پیاده‌سازی الگوی توسعه در یک اقتصاد به صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد، لذا ایجاد زیرساخت‌های نهادی و زیربنایی برای توسعه و رفع موانع کسب و کار از الزامات اولیه اجرای این سیاست و در زمره وظایف ضروری دولت و نهادهای مدنی از جمله اتاق بازرگانی و تولید اصناف است.

خوشبختانه امروزه در ایران «بهبود محیط کسب و کار» به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین راهبرد مبارزه با فقر و افزایش رشد اقتصادی پذیرفته شده است. در واقع، نوعی اجماع نسبی در میان کارشناسان، سیاستمداران و سیاستگذاران وجود دارد مبنی بر اینکه برای غلبه بر نامطلوب‌هایی چون فقر و بیکاری، کم‌رشدی اقتصاد و پایین بودن سطح فعالیت‌های اقتصادی و نیز برای گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار و تقویت بخش خصوصی، بهبود فضای کسب و کار کشور، مؤثرترین راهبرد است. در این مقاله، با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی، تبیینی از چپستی فضای کسب و کار بررسی می‌شود و سپس به معرفی اجمالی برنامه‌های توسعه پرداخته می‌شود و در نهایت با مرور برنامه‌های اجرا شده برای اصلاح فضای کسب و کار در ایران، پیشنهادهایی در این خصوص ارائه می‌گردد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعریف محیط کسب و کار

ارائه تعریف دقیقی از فضای کسب و کار دشوار است، اما در بیان سودمند و مفید، فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری به مثابه محیط سیاستی، نهادی و رفتاری است که بازدهی و مخاطرات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (استرن^۱، ۲۰۰۲). در واقع، فضای سرمایه‌گذاری نوعی محیط نهادی، سیاستی و تنظیمی است که فعالان اقتصادی و بنگاه‌ها در چارچوب و مبتنی بر آن فعالیت می‌کنند (دلار و همکاران^۲، ۲۰۰۳). فضای کسب و کار ملی به مجموعه عوامل بر اداره یا عملکرد بنگاه‌های اقتصادی در یک کشور اطلاق می‌شود که تقریباً خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها قرار دارد. بهبود محیط کسب و کار می‌تواند انگیزه و بستر لازم برای سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی را فراهم کند.

ایده بهبود فضای کسب و کار به هر نالدو دسوتو^۳ برمی‌گردد که فعالیت خود را در کشور پرو با تحقیقی تحت عنوان «اگر کشوری بخواهد فعالیت اقتصادی کند با چه مشکلاتی روبروست» شروع کرد. وی معتقد است که، مراحل اداری، رشوه، زمان زیاد و ... نکات برجسته و مهمی هستند که پیش از این به آن‌ها توجه نمی‌شد. دسوتو معتقد است که بیشتر دارایی مردم در کشورهای فقیر بانک‌پذیر نیستند. یعنی آن‌ها گرچه زمین دارند اما خانه ندارند یا مبتکر هستند اما سازمان ثبت اختراعات از آن‌ها حمایت نمی‌کند. دارایی‌های مادی و معنوی افراد به دلیل وجود ضعف در سیستم‌های پشتیبان به دارایی مولد تبدیل نمی‌شود و به این دلیل نیز سرمایه‌گذاری نیز صورت نمی‌گیرد و مشکل را به سیستم اداری نسبت می‌دهند و تلاش می‌کنند دریابند که چگونه می‌توان این وضعیت را اصلاح کرد و به سرمایه‌گذاری‌های کارا دست یافت.

اصلاح و بهبود فضای کسب و کار می‌تواند سبب کاهش هزینه و ریسک راه‌اندازی کسب و کار جدید شده و فضای انتقال بنگاه‌ها از بخش غیررسمی به بخش رسمی را افزایش داده و زمینه‌های رشد و گسترش سرمایه‌گذاری‌ها را ایجاد کند (داوسون^۴، ۲۰۰۶).

بانک جهانی، در گزارش ۲۰۰۵ خود، که بر اساس مطالعه ۲۶ هزار بنگاه اقتصادی در ۵۳ کشور دنیا صورت گرفته است، عوامل محدودکننده و متأثرکننده فضای کسب و کار را شامل این موارد دانسته است: نااطمینانی در سیاست‌ها، بی‌ثباتی در اقتصاد کلان، نرخ‌های مالیاتی، فساد اقتصادی و سیاسی، هزینه دستیابی به اعتبارات و منابع مالی، جرم و جنایت، مقررات، امور مالیاتی، سطح مهارت‌های نیروی انسانی، نظام قضایی، مقررات کار، برق، حمل و نقل، دستیابی به زمین و ارتباطات راه دور (بانک جهانی، ۲۰۰۵). در مطالعات دیگر به عوامل دیگری نیز اشاره شده است، از جمله: بی‌ثباتی سیاسی، تورم، نرخ ارز، جرائم خیابانی، جنایت سازمان‌یافته، اقدامات و رویه‌های ضد رقابتی، کاغذبازی و کیفیت خدمات عمومی (بانک جهانی، ۲۰۰۳).

1. Stern

2. Dollar, Hallward and Mengistae, 2003

3. Hernando desoto

4. Dawson

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، مفهوم جدیدی با عنوان چارچوب سیاستی برای سرمایه‌گذاری^۱ معرفی کرده و هدف کلی آن این است که محیط عمومی کسب‌وکار را بهبود بخشد و عرصه بازی هم‌سطح را برای کلیه فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران فراهم کند (OECD, 2006). چارچوب سیاستی برای سرمایه‌گذاری، ده قلمرو را برجسته می‌سازد که فراتر از شرایط ثبات اقتصاد کلان، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر محیط سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار دارد. این قلمروها عبارتند از: (۱) سیاست‌های مربوط به سرمایه‌گذاری، (۲) توسعه و تسهیل سرمایه‌گذاری، (۳) سیاست‌های تجاری، (۴) سیاست‌های رقابتی، (۵) سیاست‌های مالیاتی، (۶) حکمرانی شرکتی، (۷) هدایت مسئولانه کسب‌وکار، (۸) توسعه منابع انسانی، (۹) توسعه زیرساخت‌ها و خدمات مالی و (۱۰) حکمرانی عمومی.

برای ارزیابی محیط کسب‌وکار تاکنون شاخص‌های گوناگونی توسط سازمان‌های مختلف ارائه شده است. در این میان شاخص‌های بانک جهانی برای ارزیابی محیط کسب‌وکار براساس ویژگی‌ها و مختصاتی شکل گرفته است که در نوع خود رویکرد جدیدی به شمار می‌رود و به دلیل پوشش دادن انتظارات فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران اقتصاد کلان کشورها مورد توجه بیشتری قرار گرفته و تقریباً توسط آن‌ها پذیرفته شده است. این شاخص‌ها عبارتند از: راه‌اندازی کسب‌وکار، شرایط و مقررات اخذ مجوز، استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، اجرای قراردادها و انحلال کسب‌وکار.

- راه‌اندازی کسب‌وکار: فرآیند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان موردنیاز و هزینه صرف‌شده برای آغاز فعالیت در نظر می‌گیرد.
- اخذ مجوزها: شامل تمامی فرآیندهای لازم برای اخذ مجوزهای مورد نیاز برای تأسیس و راه‌اندازی یک کارگاه می‌باشد. مطالعه موردی این شاخص نشان‌دهنده تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه صرف‌شده برای دریافت مجوزهای مورد نیاز با استاندارد معین هر کشور است.
- استخدام و اخراج نیروی کار: میزان دشواری استخدام، انعطاف‌ناپذیری ساعت کار، دشواری اخراج، هزینه استخدام و هزینه اخراج را می‌سنجد.
- ثبت مالکیت: فرآیند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی می‌باشد. تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه‌های مترتب بر ثبت مالکیت در دفاتر اسناد رسمی سنجش می‌شود. به عنوان مطالعه موردی فرآیند کامل خرد یک زمین، ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر نشان‌دهنده این شاخص است.
- اخذ اعتبار: این شاخص مربوط به میزان توانمندی و امکان سنجش گسترده، دقت اطلاعات اعتباری و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی است که توسط بخش دولتی یا بخش خصوصی ثبت و در اختیار سایر سازمان‌ها یا افراد قرار داده می‌شود تا براساس اعتبار تعیین شده به ارزیابی فعالان اقتصادی بپردازند.
- حمایت از سرمایه‌گذاران: در این شاخص بررسی می‌شود که صاحبان سرمایه تا چه اندازه مورد حمایت نهادهای قانونی و رسمی می‌باشند. به ویژه در معاملاتی که در آن‌ها منافع مدیران با منافع شرکت یا منافع دولت در

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

تعارض است. این شاخص میزان علنی بودن (افشا) مبادلات مالی، میزان پاسخگویی مدیر، سهولت شکایت برای سهامدار و توان حمایت از سرمایه‌گذار را در بر می‌گیرد.

- پرداخت مالیات: این شاخص مأخذ تعلق مالیات، دفعات پرداخت، زمان تعیین و پرداخت و کل مالیات قابل پرداخت را برحسب درصد، از سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی ارزیابی می‌کند.
- تجارت خارجی: تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای صادرات (از بسته‌بندی در کارخانه تا خروج از بندر) میزان تعرفه‌ها و عوارض و هم‌چنین تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای واردات (از پهلو گرفتن کشتی در بندر تا تحویل محموله به انبار کارخانه) و میزان تعرفه‌ها و عوارض را می‌سنجد. در مطالعه موردی صدور و ورود یک محموله استاندارد از راه دریایی در نظر گرفته می‌شود.
- اجرای قراردادها: زمان و هزینه لازم برای اعلام ورشکستگی و چگونگی توزیع دارایی‌های شرکت ورشکسته میان طلبکاران را در بر می‌گیرد.
- انحلال کسب و کار: تعداد مراحل، زمان لازم برای دادرسی (روز) و هزینه پرداخت شده برای پایان دادن به یک فعالیت اقتصادی در این شاخص مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۲).

۲-۲. محیط کسب و کار در اقتصاد ایران

اقتصاد ایران نیز، به عنوان یکی از اقتصادهای در حال توسعه، از مشکلات اقتصادی عدیده‌ای رنج می‌برد و با چالش‌های گوناگون مواجه است. نرخ تورم و بیکاری دورقمی، درآمد سرانه پایین، پس‌انداز واقعی منفی، کسری بودجه ساختاری و صادرات اندک کالاها و خدمات، از جمله برخی از مشکلات اقتصادی کشور هستند. از سوی دیگر، اقتصاد ایران با چالش‌های گوناگونی مواجه است که برخی از آن‌ها عبارتند از ورود به سازمان تجارت جهانی، تحریم‌های اقتصادی، کاهش درآمدهای نفتی، رشد اقتصاد غیررسمی، سطح پایین سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش روزافزون جمعیت آماده به کار، تشدید رقابت از جانب کشورهای منطقه، بیکاری گسترده جمعیت تحصیل کرده و مانند آن‌ها (خضری، ۱۳۸۹).

اکثر صاحب‌نظران اقتصادی کشور، ریشه مشکلات مزبور را در اقتصاد دولتی و سیطره بیش از حد دولت بر فعالیت‌های اقتصادی و راه‌حل تعدیل آن‌ها را نیز در گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار می‌دانند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۷). در این میان، با ارائه توصیه‌های سیاستی به دولت مبنی بر واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، کوشش می‌شود از دامنه مداخله دولت در اقتصاد کاسته شده و بخش خصوصی در کشور تقویت گردد. در عین حال، بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی، از جمله جوزف استیگلیتز، بر این باورند که صرف راهبرد خصوصی‌سازی برای گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار و تقویت بخش خصوصی کافی نیست. در واقع، لازم است در ابتدا موانع توسعه بخش خصوصی برطرف و رقابت در فضای اقتصاد در هر دوی بخش‌های خصوصی و عمومی تقویت شود (استیگلیتز، ۱۳۸۳). تنها در این صورت است که می‌توان به دستاوردهای این گذار امیدوار شد. به عبارت دیگر، برای موفقیت‌آمیز بودن گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار لازم است محیط کسب و کار بهبود یابد. در سایه این راهبرد است که می‌توان به رشد بخش خصوصی واقعی در کشور و رقابتی‌تر شدن محیط کسب و کار و شفاف‌شدن آن امید بست.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

گزارش‌های بانک جهانی و تحقیقات گسترده در مورد فضای کسب‌وکار نشان می‌دهد عملکرد متغیرهای اقتصادی در کشورهای دارای فضای مناسب کسب‌وکار، بهتر بوده است. به این مفهوم که در کشورهایی که محیط سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار مناسبی دارند فقر، بیکاری، تورم، فساد اقتصادی، اقتصاد غیررسمی و جز این‌ها کمتر است و مردم از سطوح استاندارد زندگی بالاتری برخوردارند (دیانکوف و مکلیش، ۱۳۸۶).

براساس گزارش‌های بانک جهانی طی سال‌های اخیر وضعیت محیط کسب‌وکار در ایران رو به بهبود نمی‌باشد. برای این اساس لازم است با تجدید نظر جدی در سیاست‌های و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی شرایط لازم برای رفع موانع فراهم گردد. جدول (۱) بیانگر وضعیت و رتبه ایران در گزارش‌های بانک جهانی می‌باشد.

جدول (۱): وضعیت محیط کسب‌وکار در ایران

سال	رتبه	تعداد کشورها
۲۰۰۸	۱۳۵	۱۷۸
۲۰۰۹	۱۴۲	۱۸۱
۲۰۱۰	۱۳۱	۱۸۳
۲۰۱۱	۱۲۹	۱۸۳
۲۰۱۲	۱۴۴	۱۸۳
۲۰۱۳	۱۴۵	۱۸۳
۲۰۱۴	۱۵۲	۱۸۹
۲۰۱۵	۱۳۰	۱۸۹
۲۰۱۶	۱۱۸	۱۸۹
۲۰۱۷	۱۲۰	۱۹۰
۲۰۱۸	۱۲۴	۱۹۰

منبع: doingbusiness

۳. مطالعات پیشین

ابراهیم حیدر (۲۰۱۲)، به بررسی اصلاحات فضای کار و رشد اقتصادی در ۱۷۲ کشور جهان در دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۰ پرداخته است. نتایج تحقیق وی بیانگر آن است که اصلاحات فضای کسب‌وکار ارتباط مثبت معنی‌داری با رشد اقتصادی کشورها دارد. دیانکوف و همکاران (۲۰۰۶)، در پژوهشی با عنوان مقررات و رشد در پی پاسخ به این پرسش مهم اقتصاد که «چرا برخی کشورها رشد سریع‌تری نسبت به سایر کشورها دارند» و توجه به این مطلب که حل این معما استاندارد زندگی نسبت قابل توجهی از جمعیت دنیا را بهبود می‌بخشد، تأثیر فعالیت حاکم بر قوانین تجاری در ۱۳۵ کشور را بر رشد اقتصادی بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که کشورهایی با مقررات بهتر رشد سریع‌تری از کشورهایی با مقررات دست‌وپاگیر دارند. همچنین نتیجه گرفتند که بهبود مقررات تجاری از بدترین حالت موجود به بهترین حالت موجود باعث افزایش ۲،۳ رشد سالانه می‌شود. دهقان‌شبان‌ی و آفرینش‌فر (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به تحلیل تأثیر فضای کسب‌وکار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و ۲۸ کشور منتخب طی سال‌های (۲۰۱۲-۲۰۰۳) پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ضعف در فضای کسب‌وکار تأثیر منفی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. همچنین با بهبود ثبات سیاسی، کنترل فساد، جهانی‌شدن اقتصاد، شروع کسب‌وکار، حمایت از سرمایه‌گذار، توسعه فضای کسب‌وکار، پرداخت مالیات و افزایش تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش می‌یابد. سالاری (۱۳۹۰)، در مقاله خود ضمن بررسی و معرفی شاخص‌های

کسب و کار، شاخص‌های رقابت‌پذیری اقتصاد و مقایسه ایران در این شاخص‌ها با کشورهای برتر جهان و کشورهای منطقه به طور مبسوط به بررسی شاخص‌های مربوط به مالیات و اثر آن بر فضای کسب و کار کشور پرداخته و آثار این شاخص بر عملکرد اقتصادی را بررسی نموده و ضمن ترسیم فضای روشن از وضعیت ارتباط نظام مالیاتی کشور با فضای کسب و کار طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۱، پیشنهادهایی را جهت بهبود وضعیت نظام مالیاتی و بالطبع بهبود فضای کسب و کار ارائه کرده است. خضری (۱۳۸۹)، در مقاله خود سیاست‌های لایحه برنامه پنجم توسعه را از منظر تأثیر اجرای آن‌ها بر فضای کسب و کار کشور بررسی می‌کند. وی برخی از عمده‌ترین آسیب‌های لایحه برنامه پنجم از منظر راهبرد بهبود محیط کسب و کار را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و تمرکز آن بیشتر بر شناسایی برخی سیاست‌ها و اقداماتی در لایحه برنامه پنجم است که به ناامنی بیشتر فضای کسب و کار کشور دامن می‌زنند.

۴. ضرورت بهبود فضای کسب و کار

خصوصی‌سازی بدون آزادسازی و توانمندسازی بخش خصوصی که در گرو بهبود فضای کسب و کار می‌باشد، ابتر است و انتقال مالکیت بنگاه‌های اقتصادی به بخش خصوصی در صورتی به بهبود شرایط اقتصادی کشور می‌انجامد که همراه با آزادی عمل بخش خصوصی در انجام فعالیت‌های اقتصادی باشد. فعال کردن بخش خصوصی بدون فراهم نمودن شرایط رقابتی و ایجاد شفافیت لازم در تخصیص منابع و صرفاً با اعطای تسهیلات برای کارآفرینی نیز رانت‌زا است و در مقابل، رقابتی کردن بازار منوط به رفع موانع کسب و کار است. افزایش امنیت سرمایه‌گذاری برای تولید و تشویق صاحبان سرمایه برای آغاز فعالیت‌های اقتصادی و به دنبال آن افزایش اشتغال باید در کالبد ایجاد فضای مناسب کسب و کار صورت پذیرد. یکی از ارکان مهم توانمندسازی بخش خصوصی، ساده‌سازی و پالایش قوانین و مقررات در جهت بهبود فضای کسب و کار است. به نظر می‌رسد بازنگری قواعد اعم از قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های کاری از ضرورت‌های مهم برای بهبود فضای کسب و کار است. کشورهایی که برای بهبود فضای کسب و کار و توانمندسازی بخش خصوصی و آزادسازی بیشتر اقتصاد گام برداشته‌اند، در مجموع موفق‌تر بوده‌اند. این موفقیت با توجه به موارد زیر با اهمیت و قابل تداوم می‌باشد:

- میانگین رشد درآمد این دسته از کشورها به طور محسوسی بالاتر از کشورهایی است که کمتر به آزادسازی و بهبود فضای کسب و کار پرداخته‌اند، آمارها نشان می‌دهد که این دسته از کشورها طی دوره مورد بررسی ۸۰٪ بیش از دسته دیگر رشد داشته‌اند.
- همچنین مشاهده شد توسعه انسانی در این دسته از کشورها به طور متوسط با شدت بیشتری صورت گرفته است و این کشورها از لحاظ شاخص توسعه انسانی نیز بهبود بیشتری نشان داده‌اند.
- در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی نیز مقدار مطلق سرمایه‌گذاری خارجی برای کشورهای با آزادی اقتصادی بیشتر و فضای کسب و کار بهتر، به طور متوسط بیشتر است (توماس^۱، ۲۰۰۵).

با توجه به مطالب فوق و با در نظر گرفتن رتبه نامناسب ایران به نظر می‌رسد اصلاح فضای کسب و کار کشور می‌بایست در اسرع وقت در زمره اولویت‌های اصلاح ساختار قوانین اجرایی قرار گیرد. در غیر این صورت اقتصاد در

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دومی و سوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

شرایط نابرابر رقابت دولت با بخش خصوصی رونق نمی‌گیرد. بدیهی است این رقابت فقط با شکست انحصارات دولتی و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت بخش خصوصی قابل شکل‌گیری است وگرنه نتیجه عملی شدن اصل ۴۴، جز واگذاری ثروت متعلق به ملت در دست دولت به نهادهای حکومتی و شبه حکومتی و توزیع منافع آن بین قشر محدودی نخواهد بود و این واگذاری به رقابت و رونق نخواهد انجامید.

آنچه مسلم است اصلاح فضای کسب‌وکار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، ارتقاء سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می‌شود بلکه به طور قطع سیگنالی مهم برای استقبال سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به کشور و ارتقاء و تسهیل جریان ورود فناوری به کشور به شمار می‌رود. و تمامی این‌ها بستری برای تحقق هدف مهم چشم‌انداز ۲۰ ساله که تبدیل شدن به قدرت اول منطقه به لحاظ اقتصادی، فنی و علمی است، به شمار می‌آید.

فراهم کردن امکان رشد مستلزم محیطی است که کارآفرینان با ایده‌های نو از هر جنسیت و نژاد بتوانند کسب‌وکار خود را آغاز کنند و با تأسیس شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری است که شغل ایجاد می‌شود. همچنین در فضای مناسب افق بلندتری برای کسب‌وکارها قابل پیش‌بینی است و در نتیجه گام‌های بزرگتری در رشد و توسعه اقتصادی برداشته می‌شود، زیرا گام‌های بزرگ نیازمند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است. از این‌رو ضرورت برنامه‌ریزی و تحلیل و بررسی برنامه‌های توسعه کشور مشخص می‌گردد. تاریخ برنامه‌ریزی در ایران را می‌توان گویای حقیقت موجود درباره وضعیت فعلی کشور دانست. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ این سرزمین برشمرد، دو دوره زمانی پیش از انقلاب اسلامی و پس از انقلاب اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد و ضمناً تأکید پژوهش بر برنامه‌های توسعه پس از پیروزی انقلاب می‌باشد.

۵. مروری اجمالی بر برنامه‌های توسعه در ایران پس از پیروزی انقلاب

تدوین برنامه‌های عمرانی در کشور از سال ۱۳۲۷ آغاز شد و با اجرای ۲ برنامه هفت ساله و ۳ برنامه پنج ساله ادامه یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با پایان یافتن جنگ تحمیلی، ضرورت ایجاد تحول در اقتصاد کشور، بازسازی اقتصاد آسیب‌دیده از جنگ و ایجاد زمینه‌های لازم برای بهبود وضع زندگی مردم، باعث شد برنامه توسعه کشور در قالب برنامه‌های ۵ ساله از سال ۱۳۶۸ شروع شود (مصلی نژاد، ۱۳۸۲).

۵-۱. برنامه پنج ساله اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

این برنامه با انتخاب راهبرد آزادسازی اقتصادی در سال ۱۳۶۸ آغاز شد و هدف اصلی آن این بود که با سرمایه‌گذاری دولت در بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود، آثار منفی اقتصادی حاکم بر کشور را تغییر داده و زمینه‌های رشد اقتصادی را مهیا سازد. از این رو برنامه اول به برنامه سازندگی شهرت یافت (مصلی نژاد و سلیمی، ۱۳۹۰). از اهداف تعریف شده مهم این برنامه توسعه، بازسازی خسارت‌ها و آسیب‌های ناشی از جنگ بود. از دیگر اهداف تعریف شده برنامه اول توسعه در دولت سازندگی، کاهش نرخ رشد جمعیت، افزایش نرخ سواد، خودکفایی در تولید محصولات مهم کشاورزی، کنترل تورم، رشد اقتصادی، بازسازی ظرفیت‌های زیربنایی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

آسیب‌دیده، حذف تشکل‌های انحصاری در تولید و توزیع کالا، تقویت پول ملی و کاهش هزینه‌های دولت هستند (درخشان، ۱۳۹۵).

۲-۵. برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)

استراتژی اصلی برنامه دوم توسعه و تثبیت دستاوردهای برنامه اول، ایجاد ثبات در فعالیت‌های اقتصادی کشور و کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه بود. این برنامه از جهت ساختار و ماهیت، تفاوتی با برنامه اول نداشت و مبتنی بر آزادسازی اقتصادی و نیز خصوصی‌سازی بود. همچنین رشد و توسعه پایدار اقتصادی از اصلی‌ترین اهداف برنامه دوم قلمداد می‌شود. از این رو برنامه دوم به برنامه ثبات اقتصادی شهرت یافت (مصلی نژاد و سلیمی، ۱۳۹۰). مهم‌ترین اهداف این برنامه عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری و کاهش وابستگی عنوان شد و بر توسعه صادرات، اشتغال‌زایی، اصلاح نظام قیمت‌ها نیز تأکید شده بود. از نقاط قوت برنامه دوم می‌توان به این نکته اشاره کرد که تا حدی در تقویت قدرت بخش خصوصی در اقتصاد موفق بوده است. علاوه بر این موفقیت نسبی، کارشناسان و تحلیل‌گران بر این باورند که ظهور نشانه‌های بحران بدهی‌های ارزی در ابتدای برنامه مذکور و کاهش قیمت نفت از مقدار پیش‌بینی شده در سال ۱۳۷۶ و تداوم آن در سال بعد عملاً شرایطی را رقم زد تا تحقق اهداف موردنظر در برنامه دوم مختل شود. در آن مقطع زمانی دولت وقت به دلیل مشکلات پیش‌آمده مجبور شد تا پاره‌ای از سیاست‌های انقباض پولی و مالی را عملی کند (درخشان، ۱۳۹۵).

۳-۵. برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

مشکلات ساختاری برنامه‌های اول و دوم توسعه، نگاه اجتماعی به مسائل اقتصادی و ارائه طرح ساماندهی اقتصاد در سال 1377 از یک سو و سیاست تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل و بهبود روابط در اوپک از سوی دیگر منجر به شکل‌گیری اصلاح ساختار اقتصادی با رویکرد داخلی در برنامه سوم توسعه شد. از این رو برنامه سوم به برنامه اصلاح ساختاری شهرت یافت. مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم را می‌توان تلاش آن در فراهم ساختن الزامات تحقق یک توسعه پایدار دانست. این برنامه با راهبرد اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد توسعه اقتصاد رقابتی از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با شکل‌گیری نظام جامع تأمین اجتماعی، اصلاحات قانونی و نهادی و لغو انحصارات برای زمینه‌های فراهم شده مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت طراحی و تدوین شد (مصلی نژاد و سلیمی، ۱۳۹۰). بنا به گواه تحلیلگران اقتصادی، این برنامه که در طول زمان به نام برنامه اصلاح ساختاری نیز شناخته شد بر دو اصل اصلاحات ساختاری و نهادی به منظور آزادسازی و خصوصی‌سازی استوار بود. از جمله اهداف شاخص برنامه سوم توسعه می‌توان به حرکت به سمت آزادسازی نظام قیمت‌ها، یکسان‌سازی نرخ ارز، تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی و تشکیل حساب ذخیره ارزی اشاره کرد (درخشان، ۱۳۹۵).

۴-۵. برنامه پنج ساله چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

مهم‌ترین ویژگی این برنامه توسعه و تصویب آن در چارچوب سند چشم‌انداز 20 ساله است که هدف از این نوع برنامه‌ریزی، نگاه فعال و آینده‌ساز به مسائل کشور است. در قالب چشم‌انداز، برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دومی و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اجتماعی در راستای آینده‌سازی جهت‌گیری می‌شوند. در این چارچوب تمام حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی به صورت یک کلیت مطرح می‌شوند. تحولات صورت‌رفته در نظام جهانی، به خصوص در عرصه اقتصاد و طرح مسائلی مانند: همگرایی سیاست‌ها، جهانی شدن تولید، نظام جدید تقسیم کار بین‌المللی، بهره‌مندی از علوم و فناوری‌های پیشرفته، دگرگونی در قلمروهای فعالیت دولت موجب شد که در برنامه چهارم توسعه علاوه بر تأکید بر ادامه سیاست‌های اصلاح ساختاری برنامه سوم توسعه، پایه‌های جدیدی برای تغییر در روند توسعه کشور پیش‌بینی شود (مصلی نژاد و سلیمی، ۱۳۹۰). محورهای اصلی برنامه چهارم توسعه بسترسازی برای رشد سریع و رقابت‌پذیری اقتصادی، تعامل فعال با اقتصاد جهانی، محافظت از محیط زیست و توسعه فرهنگی عنوان شد. در این میان و در پایان برنامه چهارم پنج ساله توسعه بسیاری از کارشناسان معتقدند این برنامه جزء ناموفق‌ترین برنامه‌های ۲۵ سال گذشته محسوب می‌شود، چرا که آمارهای به‌دست‌آمده حاکی از آن است که عملکرد به دست‌آمده به شکل چشم‌گیری از اهداف برنامه فاصله دارد (درخشان، ۱۳۹۵).

۵-۵. برنامه پنج ساله پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰)

برنامه پنجم با توجه به تمدید یک ساله آن، یکی از پرچالش‌ترین برنامه‌های توسعه کشور تلقی می‌شود. این برنامه نیز شرایط بهتری از برنامه چهارم نداشت و در اجرای آن مشکلاتی به وجود آمد. برنامه پنجم در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در نظر گرفته شد و بنا به گفته کارشناسان حتی ۵۰ درصد برنامه پنجم، محقق نشد. برنامه پنج ساله پنجم توسعه در ۱۵ دی ماه ۱۳۸۹ به تصویب شورای اسلامی رسید و اجرای آن با تأخیر و ابلاغ در سال ۱۳۹۰ رسماً آغاز شد. بر اساس زمان‌بندی اجرای این برنامه قرار شد در سال ۱۳۹۵ به پایان برسد. بنا به نتایج تحقیقات موانعی چون مشکلات تحریم و کمبود اعتبارات مالی و البته سوء مدیریت‌های محرز و نیز بی‌انضباطی‌های مالی گسترده در اواخر عمر دولت دهم نقش مهمی در عدم تحقق اهداف برنامه پنجم داشته است (درخشان، ۱۳۹۵). در این برنامه تلاش شده است تا حداکثر حمایت از صنعت صورت پذیرفته و صادرات بتواند جایگزین بخش عمده‌ای از درآمدهای حاصل از فروش نفت شود (مصلی نژاد و سلیمی، ۱۳۹۰).

۵-۶. برنامه پنج ساله ششم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۹)

برنامه ششم توسعه به عنوان سومین برنامه از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، مسئولیت بزرگی را برای حرکت در جهت تحقق اهداف این سند به عهده دارد زیرا طی دو برنامه چهارم و پنجم به عنوان گام‌های اول و دوم سند مذکور، بسیاری از اهداف و برنامه‌ها اجرا نشد، از این‌رو از این برنامه انتظار می‌رود تا بخشی از عقب‌ماندگی‌های دو برنامه قبلی را جبران نماید. با توجه به وضعیت اقتصادی حام بر کشور در شرایط فعلی و مشکلات ایجادشده در اثر تحریم‌های خارجی و بر اساس آخرین تحلیل‌های به عمل آمده، دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز در افق زمانی تعیین شده تا حدود زیادی دشوار می‌نماید و تحقق آن نیازمند عزم ملی حاکمیت و قوای سه‌گانه و مشارکت حداکثری نهادهای ملی و مدنی در آحاد جامعه می‌باشد.

۶. برنامه‌های ایران برای بهبود فضای کسب‌وکار

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در بیان برنامه‌ها و تلاش‌های ایران برای بهبود فضای کسب‌وکار به بیان احکام و عملکرد احکام برنامه چهارم توسعه، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و سیاست‌های کلی برنامه پنجم و ششم توسعه پرداخته شده است. البته قوانینی مانند قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها و دستگاه‌ها و سایر مؤسسات و شرکت‌های دولتی به منظور تسهیل امور سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرح‌های تولیدی و صادراتی (۱۳۸۰)، قانون تسهیل اعتبارات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها (۱۳۸۶)، قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی (۱۳۸۷) نیز در راستای بهبود فضای کسب‌وکار تصویب شده است (تاری و علوی‌منش، ۱۳۹۰).

۱-۶. برنامه چهارم توسعه

در برنامه چهارم توسعه در دو ماده به طور واضح به بهبود فضای کسب‌وکار توجه شده است. یکی ماده (۳۷) این قانون است که به بحث رقابت‌پذیری می‌پردازد و با توجه به اینکه آنچه رقابت‌پذیری ملی تقویت کند به بهبود فضای کسب‌وکار نیز منجر می‌شود از این ماده یاد شده است. ماده (۴۱) نیز ماده دیگری است که هدف از ذکر آن را «بهبود فضای کسب‌وکار» برشمرده‌اند. در ادامه به بیان این موارد می‌پردازیم:

ماده (۳۷) قانون برنامه چهارم: دولت موظف است در جهت ایجاد فضا و بسترهای مناسب برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری و افزایش بهره‌وری نیروی کار متوسط سالیانه سه و نیم درصد (۳٫۵٪) و رشد صادرات غیرنفتی متوسط سالیانه ده و هفت دهم درصد (۱۰٫۷٪) و ارتقای سهم صادرات کالاهای فناوری پیشرفته در صادرات غیرنفتی از دو درصد (۲٪) به شش درصد (۶٪)، اقدام‌های ذیل را به عمل آورد:

الف) نظام‌های قانونی، حقوقی، اقتصادی، بازرگانی و فنی مناسب را در جهت تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید.
ب) از تولید کالاها و خدمات در عرصه‌های نوین و پیشتاز فناوری در کشور از طریق اختصاص بخشی از تقاضای دولت به خرید این تولیدات حمایت به عمل آورد.
ج) زمینه مشارکت تشکل‌های قانونی غیردولتی صنفی-تخصصی بخش‌های مختلف را در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مربوطه ایجاد نماید.

د) خدمات بازرگانی، فنی، مالی، بانکی و بیمه‌ای پیشرفته را توسعه داده و یا ایجاد نماید.

ماده (۴۱) قانون برنامه چهارم: دولت موظف است در برنامه چهارم، در جهت بهبود فضای کسب‌وکار در کشور و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان پیرامون، اقدام‌های ذیل را به عمل آورد:

الف) کنترل نوسانات شدید نرخ ارز در تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، به صورت نرخ شناور مدیریت شده و با استفاده از سازوکار عرضه و تقاضا، با در نظر گرفتن ملاحظات حفظ توان رقابت بنگاه‌های صادرکننده و سیاست جهش صادرات با رعایت بند «۴» الزامات جدول ۲ این قانون.

ب) تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید (ماشین‌آلات و مواد اولیه) مبتنی بر حمایت منطقی و منطبق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آن‌ها و در جهت تسهیل فعالیت‌های تولیدی صادرات‌گرا.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ج) برنامه ریزی و اجرای توسعه زیربناها با هدف کاهش هزینه‌های تولید، خلق مزیت‌های رقابتی و منطبق با نیازهای توسعه اقتصادی کشور.

د) بازنگری قانون و مقررات مربوط به نیروی کار با سازوکار سه‌جانبه‌گرایی (دولت-کارگر-کارفرما) به گونه‌ای که:

۱. تکالیف معطوف به تأمین اجتماعی و شغلی، از متن قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹ منتزع و به قانون جامع

تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری منتقل گردد.

۲. انعطاف لازم برای حل اختلافات در آن لحاظ شود.

۳. متناسب با شرایط و مقتضیات خاص بخش‌های مختلف اقتصادی، مقررات خاصی را در متن قانون

پیش‌بینی و به‌مورد اجرا گذارد.

ه) لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات را در سال نخست برنامه چهارم تهیه و به

مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.

و) نسبت به گسترش و تعمیق بازار سرمایه و تنوع ابزارهای مورد استفاده در آن اقدام نماید.

۶-۲. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه

در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه به موضوع بهبود فضای کسب‌وکار اشاره و به‌عنوان یکی از روش‌های تحقق

رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی در نظر گرفته شده است:

۲۱. تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸ درصد نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی با:

۲۱-۱. توسعه سرمایه‌گذاری از طریق کاهش شکاف پس‌انداز- سرمایه‌گذاری با حفظ نسبت پس‌انداز به تولید

ناخالص داخلی حداقل در سطح ۴۰ درصد و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی.

۲۱-۲. ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به یک‌سوم در پایان برنامه.

۲۱-۳. بهبود فضای کسب‌وکار کشور با تأکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی،

اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطرپذیری‌های کلان اقتصادی، ارائه مستمر آمار و اطلاعات به

صورت شفاف و منظم به جامعه.

۲۱-۴. تقویت و توسعه نظام استاندارد ملی.

در مجموع به نظر می‌رسد بهبود فضای کسب‌وکار از گذشته مورد توجه صاحب‌نظران بوده است؛ اما درک بیشتر

اهمیت ترتیبات نهادی در توسعه و طراحی شاخص‌های متعدد سنجش فضای کسب‌وکار موجب شده تا این مقوله در

ادبیات برنامه‌ریزی ایران وارد و توجه بیشتری به آن معطوف شود (تاری و علوی منش، ۱۳۹۰).

۶-۳. اهمیت محیط کسب‌وکار در برنامه پنجم

مطالعه اهداف، سیاست‌ها و مواد لایحه برنامه پنجم نیز بیانگر اهمیت بهبود فضای کسب‌وکار در کشور نزد دولت

است. به عبارت دیگر، بهبود محیط کسب‌وکار کشور به عنوان راهبردی برای تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی

و گسترش عدالت اجتماعی و افزایش استاندارد زندگی مردم قلمداد شده است. اقداماتی همچون ثبات محیط اقتصاد

کلان، فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطرپذیری‌های

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دومی و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

کلان اقتصادی، ارائه مستمر آمار و اطلاعات شفاف و منظم به جامعه، تقویت و توسعه نظام استاندارد ملی، حمایت از شکل‌گیری بازارهای رقابتی، قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفتی، اصلاح نظام اداری و قضایی و جز این‌ها، از جمله سیاست‌هایی است که در سیاست‌های کلان ابلاغی برنامه پنجم در راستای بهبود محیط کسب‌وکار اتخاذ شده‌اند (خضری، ۱۳۸۹).

۴-۶. برنامه ششم توسعه در خصوص بهبود محیط کسب‌وکار

در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (مانند چارچوب سیاستی لایحه برنامه پنجم) به صراحت بر بهبود فضای کسب‌وکار تأکید شده است. ماده ۲۲ قانون برنامه ششم توسعه در خصوص محیط کسب‌وکار و خصوصی‌سازی بیان می‌دارد که: دولت مکلف است با اقدام قانونی در جهت اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌ها، محیط کسب‌وکار را به گونه‌ای امن، سالم، سهل و شفاف سازد تا در پایان سال چهارم اجرای قانون برنامه، رتبه ایران در دو شاخص رقابت‌پذیری بین‌المللی و شاخص‌های بین‌المللی حقوق مالکیت در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز به رتبه سوم ارتقاء یابد و هر سال بیست درصد (۲۰٪) از این هدف محقق شود. در شاخص کسب‌وکار هر سال ده رتبه ارتقاء و به کمتر از هفتاد در پایان اجرای قانون برنامه برسد.

۷. برخی پیشنهادها برای پویایی اقتصاد و بهبود فضای کسب‌وکار از طریق قانونگذاری

۱. با استفاده از شاخص انجام کسب‌وکار و با توجه به اهمیت نظام قضایی کشور در حل اختلافات تجاری و بهبود فضای کسب‌وکار، قوه قضائیه باید به کاهش زمان، فرآیند و هزینه موردنیاز برای اجرای قراردادهای بپردازد. هرچند در رتبه‌بندی شاخص اجرای قراردادهای ایران رتبه ۵۳ جهان و دوم منطقه را کسب کرده است؛ اما همان‌طور که مطالعات میدانی نشان می‌دهد علت این امر عدم رجوع فعالان اقتصادی به دستگاه قضایی و پیگیری شخصی و خارج از مسیر قانون است (نصیری‌اقدم، ۱۳۸۹). دلیل عدم رجوع را می‌توان هزینه، زمان و فرآیندهای طولانی مسیر قانونی و بی‌نتیجه ماندن آن دانست. بنابراین پیشنهاد می‌شود ماده‌ای به شرح ذیل در قوانین ذی‌ربط پیش‌بینی شود:

- برای تسریع در حل اختلافات تجاری و افزایش ضمانت اجرای قرارداد در راستای بهبود فضای کسب‌وکار قوه قضائیه مکلف است فرآیندها، مدت زمان و هزینه پیگیری عدم اجرای قراردادهای را از طریق اجرای نظام داده‌پیام، تجدید ساختار و غیره به نحوی تنظیم کند تا پایان برنامه پنجم تعداد فرآیند به ۲۰ فرآیند، مدت زمان پیگیری به ۲۵۰ روز و هزینه پیگیری (درصد از موضوع شکایت) به ۸ درصد کاهش یابد و از میزان پیگیری‌های شخصی در حل اختلافات کاسته و این پیگیری‌ها به مسیر قانونی رهنمون شود.

۲. با استفاده از شاخص انجام کسب‌وکار در جهت افزایش کسب‌وکار باید هزینه‌های خروج و ورشکستگی را کاهش داد و در این راستا با توجه به پیشرفت‌های طراحی‌شده برای ورشکستگی در لایحه تجارت (از جمله ایجاد سازمان بازسازی، دادگاه تجاری و ...) پیشنهاد می‌شود این لایحه یا بخش ورشکستگی و بازسازی آن سریع‌تر مورد بررسی و تصویب قرار گیرد.

۳. باتوجه به اینکه در مطالعات، انحصار بازدارنده‌ترین عامل در فضای کسب‌وکار ایران شناخته شده است و با توجه به سهم کنونی بخش عمومی غیردولتی از اقتصاد و روند فزاینده آن در ارتباط با شیوه کنونی خصوصی‌سازی به

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

گونه‌ای که انحصار دولتی را به انحصار بخش عمومی غیردولتی تبدیل کرده است و با توجه به ضعف شدید ماده (۵) قانون محاسبات عمومی در شمول تمام این نهادها و شرکت‌های تجاری وابسته به آن‌ها و نیز ضعف ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در تعیین سقف سهم بازار و عدم تعیین شاخص‌های نظارتی توسط شورای رقابت، حکم ذیل پیشنهاد می‌شود:

- دولت مکلف است در سال اول برنامه لایحه «قانون جامع بخش عمومی غیردولتی» شامل بازتعریف این نهادها و مؤسسات و شرکت‌های وابسته آن‌ها و نیز محدودیت و شیوه فعالیت اقتصادی آن‌ها و سازوکار کاهش سهم این بخش تا سهم قابل قبول را به مجلس ارائه کند تا سهم این بخش به صورت مستقیم و غیرمستقیم در هریک از بخش‌های اقتصادی برحسب طبقه‌بندی چهاررقمی آیسیک^۱ در سقف ۱۰ درصد محدود و از تزامم^۲ با بخش‌های خصوصی و تعاونی اجتناب شود.

۴. نظر به اینکه شاخص انجام کسب‌وکار توسط بانک جهانی، که یک سازمان معتبر بین‌المللی است، تهیه می‌شود و ایران نیز در تهیه آن با این سازمان همکاری می‌کند؛ همچنین با توجه به هدف جایگاه اول اقتصادی در چشم‌انداز و رتبه پانزدهم ایران براساس این شاخص در سال ۲۰۰۹ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (تقریباً منطبق با کشورهای چشم‌انداز) حکم ذیل پیشنهاد می‌شود:

- در راستای دستیابی به هدف جایگاه اول اقتصادی منطقه (مذکور در چشم‌انداز)، بهبود فضای کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، دولت مکلف است به ارتقای رتبه کشور در رتبه‌بندی‌های جهانی بپردازد به گونه‌ای که در سال پایانی برنامه، ایران بتواند رتبه پنجم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را کسب کند.

۸. نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران با مشکلات گوناگونی همچون فقر، بیکاری و تورم دورقمی مواجه است. این مشکلات به میزان زیادی ریشه در نامناسب بودن فضای کسب‌وکار دارند. در واقع، نامساعد بودن فضای کسب‌وکار در کشور به پایین بودن سطح فعالیت‌های اقتصادی و کمبود میل به سرمایه‌گذاری از طرف فعالان اقتصادی دامن زده است. به عبارت دیگر، با وجود آن‌که هزینه‌های مرئی تولید (از جمله دستمزدها و هزینه‌های تأمین مالی سرمایه‌گذاری یعنی نرخ بهره) در اقتصاد ایران به طور نسبی پایین است، اما هزینه‌های نامرئی (ناشی از بی‌ثباتی در سیاست‌های دولت، قوانین و مقررات متعدد، پیچیده و دائم در حال تغییر، دستکاری گسترده قیمت‌ها، تشریفات مختلف اداری برای کسب مجوزهای فعالیت و جز این‌ها)، فضای پرمخاطره و دشواری را برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است. بنابراین، راهبرد بهبود محیط کسب‌وکار برای شکوفایی بیشتر اقتصاد کشور و توانمندسازی مردم در برابر فقر و بیکاری، اهمیت اساسی دارد. این اهمیت، به ویژه در شرایط کنونی که اقتصاد ایران در معرض فشارهای فزاینده منطقه‌ای و بین‌المللی ناشی از جهانی‌شدن اقتصاد قرار دارد، بیشتر می‌باشد.

1. International Standard Industrial Classification (ISIC)

2. Crowding Out

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

از بررسی سیاست‌های لایحه برنامه‌های توسعه می‌توان فهمید دولت بر این موضوع واقف است که برای تعدیل مشکلات و غلبه بر چالش‌های احتمالی اقتصادی کشور، بهبود فضای کسب‌وکار مؤثرترین راهبرد ممکن است. بر این اساس، احکام و سیاست‌هایی در راستای مساعدتر کردن محیط سرمایه‌گذاری و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی در کشور در لایحه برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم پیش‌بینی شده است. با این همه، از بررسی اقدامات پیش‌بینی شده می‌توان برداشت کرد که درک ناقصی از چارچوب فضای کسب‌وکار در لایحه پیشنهادی دولت وجود دارد. به همین دلیل، احکام و سیاست‌های لایحه در مورد بهبود محیط کسب‌وکار کافی نبوده و به درستی در راستای این مهم هدف‌گذاری نشده است.

تأکید سیاست‌های کلی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه بر بهبود فضای کسب‌وکار به عنوان یکی از محورهای ایجادکننده رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه بالای آن نزد مقامات ارشد نظام است. همچنین در این تأکید به برخی از لوازم این بهبود مانند ثبات محیط اقتصاد کلان، ارائه مستمر آمار و اطلاعات شفاف و منظم به جامعه و ... اشاره شده است.

تمرکز این مقاله بیشتر بر شناسایی برخی سیاست‌ها و اقداماتی در لایحه برنامه چهارم، پنجم و ششم بود که به ناامنی بیشتر فضای کسب‌وکار کشور دامن می‌زنند. با این همه، سیاست‌ها و اقدامات زیادی نیز وجود دارد که در جهت بهتر کردن فضای کسب‌وکار کشور است. ماده‌های (۹۳ بند ج)، (۹۶)، (۹۷-بند ج) و جز این‌ها، از جمله آن‌هاست.

فهرست مراجع

- استیگلیتز، جوزف. (۱۳۸۳). اصلاحات به کجا می‌رود؟ ده سال تجربه گذار. ترجمه جعفر خیرخواهان. در حکمرانی خوب: بنیان توسعه. تهران: دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- اکبری، نعمت‌الله؛ مؤذن جمشیدی، هما؛ اکبری، محمدحسن. (۱۳۹۲). فراتحلیل بهبود محیط کسب‌وکار در ایران. / اولین همایش ملی توسعه پایدار با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار. مشهد. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی.
- امینی، علیرضا. (۱۳۹۳). ارزیابی و تحلیل محیط کسب‌وکار اقتصاد ایران (۲۰۱۴-۲۰۰۰). مجله اقتصادی. شماره‌های ۱ و ۲. فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳. صص ۲۷-۶۰.
- تاری، فتح‌اله؛ علوی‌منش، سیدمحسن. (۱۳۹۰). بهبود فضای کسب‌وکار در برنامه پنجم توسعه. فصلنامه مجلس و راهبرد. دوره ۱۸. شماره ۶۷. پاییز ۱۳۹۰. صص ۴۷-۸۹.
- خضری، محمد. (۱۳۸۹). دورنمای محیط کسب‌وکار در لایحه برنامه پنجم توسعه کشور. فصلنامه مطالعات راهبردی. دوره ۱۳. شماره ۲ (مسلسل ۴۸). تابستان ۱۳۸۹. صص ۸۹-۱۱۲.
- درخشان، لیلا. (۱۳۹۵). نقاط ضعف و قوت تمامی برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور. روزنامه آفتاب یزد. شماره ۴۵۷۷. فروردین ۱۳۹۵.
- دهقان‌شبنانی، زهرا و سعیده آفرینش‌فر. (۱۳۹۳). تحلیل تأثیر فضای کسب‌وکار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و چند کشور منتخب. پژوهش‌های اقتصادی ایران. سال بیستم. شماره ۶۲. بهار ۱۳۹۴. صص ۱-۳۰.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- دیانکوف، سیمون و کارلی مکلیش. (۱۳۸۶). فضای کسب و کار در سال ۲۰۰۶. ترجمه جعفر خیرخواهان. تهران: دفتر مطالعات اقتصادی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سالاری، ابودر. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار. ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی شماره‌های ۹ و ۱۰. صص ۱۱۱-۱۳۰.
- غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۸۷). بیماری اقتصاد ایران: تسکین یا درمان؟. سایت رستاک (www.rastak.com).
- مصلی‌نژاد، عباس؛ سلیمی، ملیحه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان نوسازی، برنامه‌های توسعه اقتصادی و میزان شکاف اقتصادی در ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی. بهار ۱۳۹۱. سال چهارم. شماره ۱۵. صص ۸۳-۱۰۴.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۲). دولت و توسعه اقتصادی در ایران. نشر قومس. تهران.
- نصیری‌اقدم، علی. (۱۳۸۹). نقش نظام قضایی در بهبود فضای کسب و کار. ماهنامه اتاق ایران. شماره ۳۹ و ۴۰.
- Dawson, J. w. (2006). Regulation, Investment, and Growth Across Countries. Cato Journal. No. (26).PP. 489-509.
- Dollar, David. Mary Hallward – Driemeier, and Taye Mengistae. (2003). Investment Climate and firm Performance in Developing Economies. Development Research Group. World Bank.
- Ibrahim Heidar, J. (2012). The Impact of Business Regulatory Reforms on economic Growth. Japanese International Economies. (26), 285-307.
- OECD (2006). Policy Framework For Investment. available at: < www.OECD.org >
- Stern, Nicholas. (2002). A Strategy for Development. Washington, D.C. World Bank.
- World Bank. (2003). Improving the Investment Climate in Bangladesh. Wadhington D.C. www.worldbank.org
- World Bank. (2005). World Development Report 2005: A Better Investment Climate For Everyone. available at< www.worldbank.org >
- World bank. (2008). About Doing Business 2009, www.worldbank.org